

آزادی واقعی یعنی چه ؟

از زمان تکوین انسان روی این سیاره خاکی تا حال فرمایشیونهای اقتصادی اجتماعی همچو کمیون اولیه ، بردگی ، فیودالی و سرمایه داری یکی بعد از دیگری مبنی بر قوانین تکامل اجتماعی ، اقتصادی و رشد نیروهای مولده و مناسبات تولید جای یکدیگر را گرفته و مراحل تکاملی خویش را در بطن یکدیگر سپری نموده اند . و در هر فرمایشیون اجتماعی اقتصادی مفاهیم و مقوله های گوناگون اجتماعی ، اقتصادی ، سیاسی ، فرهنگی و .. توسط اشخاص ، علما ، پژوهشگران ، محققین ، اقتصاددانان ، و فلاسفه تعریف و توصیف گردیده است . از جمله این مفاهیم یکی هم مقوله آزادی و آزاد منشی میباشد که ما آنرا در اینجا تحت مطالعه دقیق خویش قرار داده و به توضیح آن می پردازیم ولی قبل از آنکه موضوع کلیدی را تحت دقت همه جانبه خویش قرار بدهیم لازم به تذکر است تا فلاسفه و محققین را از تکوین انسان تا امروز مبنی بر طرز تفکر و ایدولوژی های در دست داشته شان به کتگوریهای ذیل تقسیم نمایم :

* فلاسفه ایدئالیست : آنهایکه شعور را مقدم از ماده می پندارند .

* فلاسفه ماتریالیست : آنهایکه ماده را مقدم از شعور میدانند .

* فلاسفه دوالیست : آنهایکه هر دو نظر فوق را می پذیرند .

پس با در نظر داشت کتگوریهای فوقانی طبعاً تعریف مفاهیم و مقولات نیز از هم متفاوت میباشد . تا جایکه مقدور است خواهیم کوشید که به ارتباط مقوله آزادی و تعریفی که توسط آنها صورت گرفته از ایشان نقل قول نمایم .

به هر صورت بعد از توضیحات فوق اینک ذیلاً به توضیحات آنها می پردازیم :

*انسان اصلاً به حیث موجود آزاد پا بعرضه ای وجود گذاشته یعنی که او شخصیت آزاد است ، آنچه میخواهد بکند ، آنچه میل دارد به آن نایل آید ، مگر در یک جامعه طبقاتی بویژه در جوامع متمدن امروزی آزادی انسانها مهار کرده شده ، تحت کنترل قرار داده شده ، تحت تجاوز قرار گرفته اصلاً آزادی نبوده بلکه نشانه های اولی بردگی و غلامی پنداشته میشود . (Metis) (۱)

* در جوامع صنعتی مدرن امروزی نادر است تا اکثریت انسانها دارای حق آزادی مساوی باشند ، آنچه ما میشنویم آزادی برای آنها میسر است که دارای موقف اجتماعی اقتصادی بلند اند و توده های وسیع جامعه را در تحت کنترل خود دارند . شعار مدرن عصر ما در واقعیت چنین است که :

آزادی آزاد نیست (sisyphus)

*انقطاع کامل آزادی انسان مبنی بر آنکه او چه میخواهد بکند ، چه ارزو دارد که بدان نایل آید در آغاز تشکل جامعه در عصر باستان قدیم وقتیکه دولت ها تکوین یافت آغاز و فعلاً دارد که آزادی انسان نه تنها مواجه به انقطاع است بلکه از طرف صاحبان حاکم بر وسایل تولید سلب میگردد

sisyphus

* آزادی حق انسان است ، آنچه که میخواهد بکند و یا به خواسته خود نایل آید ، به شرطیکه آزادی دگران را صد مه نزند و به دگران مضر تمام نشود

مارکس ادامه میدهد که آزادی حق انسان بوده و آزادی را انسان ها در روابط و مناسبات فی ما بین هم دریافت نکرده اند ، بلکه این آزادیست که انسانها را از یکدیگر تجرید مینماید ، با این تعریف میتوان چنین استنباط کرد که آزادی آزادی منفی است ، مارکس می افزاید که ملکیت تقاضای عملی این آزادی منفی را بار می آورد ، او می افزاید : حق داشتن اینکه او (انسان مالک ملکیت) چطور باید ثروت مند شود بیدون آنکه دگرها را در نظر داشته باشد ، در جامعه ، خویشتن را خود مختار می پندارد ، از نظر مارکس ملکیت میکانیزمی را بوجود می آورد که انسانها را یکی از دگر جدا ساخته و

آزادی منفی سیر خویش را دنبال مینماید ، به این معنی که آزادی منفی ضرورت به ملکیت داشته تا ملکیت به سلب آزادی کارگرتام شود وحلقه غلامی را در گردن اوبیاندازد .

(کارل مارکس)

در حال حاضر (آزادی فرد) یک مساله ی کاملاً حل نشده است . از همینجاست که تفکر نوسازی شده ی کمونیستی نمیتواند حل مساله ی نامبرده رابه مابعد حل مسایل مادی زندگی واگذر کند .ایا کمونیزم که بنام آزادی انسان تکوین یافته است ، با آزادی در تناقض است ؟

مارکس از همان آغاز با تفکر لیبرالیزم کلاسیک مقاطعه کرد .لیبرالیزم یک برداشت سلبی از آزادی ارایه میدارد :. آزادی یک فرد در جایی پایان می پذیرد که آزادی دیگران شروع میشود. البته این برداشت (فرد) را در مرکز مفهوم آزادی قرار میدهد وبه دیگر افراد اعتبار ، احترام و حیثیت بزرگ قایل میشود ولی همزمان افراد دیگررا به حیث مرزهای آزادی فرد نامبرده مطرح میکند .مارکس دربرابراین تلقی لیبرالیزم چنین اظهار نظر مینماید :آزادی دیگران نه تنهاحد ومرزآزادی یک فرد نیست بل شرط تحقق این آزادی است.

انکشاف آزادانه ی هر فرد ،شرط انکشاف آزادانه ی همگان است .محور این انکشاف آزادانه ،آزاد ساختن کار اجتماعی از قید وابستگی آن به سرمایه واستثمار است .تا زمانیکه افراد ناگذیر اند نیروی کار شان رابه حیث یک (کالا) بفروشدند ، تحقق آزادی آنان ناممکن است .

کارل مارکس

* آزادی را همه کس دوست دارد ، هرکی آزادی میخواهد . پس مفهوم آزادی برای همه کس قابل پذیرا وپسند است. اما به ارتباط موضوع و مفهوم آزادی در ذهن انسان وبویژه در ذهن پژوهشگران ومحققان سوالات چندی مطرح میگردد ، که باید سوالات مطروحه را پاسخ داد .مثلاً :

*- آزادی واقعی یعنی چه؟

* آیا میتوان آزادی واقعی را با در نظر داشت مفهوم موثق آن درست و صحیح تعریف کرد .

* آیا آزادی هم مثل همانند دیموکراسی است .

* آیا آزادی داشتن حقی است که شخص آنچه میخواهد صرف نظر از آنکه بالای دیگران چه نوع تاثیر (بهتر یا بد تر) میگذارد انجام دهد ویا به اجرای آن مبادرت ورزد , ویا میل اش را بر آورده سازد.

* آیا شخص می باید آزادیهای ذیل را حق خود بداند :

* داخل منزل دگران شده پول و ثروت شان را سرقت نماید.

* چرس دود نماید و تریاک و هیروین بگیرد.

* در جاده و سرک (۱۵۰) کلیومتر موتر راند .

* هر آنچه میخواهد بگوید .

* هر آنکه سد راهش شود او را نا سزا گوید و به قتل اش اقدام نماید .

این همه پرسشها , پرسشهای مشکل معنوی و اخلاقی است که بیشتر قابل منازعه و کشمکش قرار میگیرد آیا کدام کود معنوی قابل شناخت میسر است ؟ تا همچو پرسشها را بدون تغیر ماهیت و مفاهیم آنها پاسخ گوید .

(داوید مک گریگور)

- داوید مک گریگور: چنین می افزاید : در عصر تکنالوژی پیشرفته . وجوامع عقب مانده ی زمان ما پاسخ همچو پرسشها را متاسفانه معمولاً با وجودیکه از تحلیل و بررسی موضوع و مفهوم پرسشها عاجز و ناتوان اند , پیروان مذاهب و معتقدین وابسطه به سیستم سنتی و عنعنوی ارایه میدارند که جواب پاسخها اکثراً مملو از تناقضات ,

کاستیها و بی نظمیهای نامرتبته میباشند غرض توضیح مطالب فوق ذیلاً به تذکر نظریه
پرودن میپردازیم :

آیا ملکیت سرقت است؟ : پس اشکاراً شما شاید چنین بیندازید که آزادی بشما این امتیاز را داده تا پولهای دیگران را بسرقت ببرید و یا اگر شما خود آسوده و صحتمند باشید هرگز نخواهید اندیشید که دیگران هم حق دارند و یا آزاد اند که غرض تامین صحت خویش ادویه لازمه را بدست آرند . و یا آنهاییکه مالیه و تکس می پردازند نباید جریمه شوند , و یا حق جریمه شدن را ندارند , و یا اگر شما یک پرهیزگاری خوب باشید موافق نخواهید بود که آزادی دیگران را سلب و یا حق کشتن دیگران را در سر بپرورانید آنکسی که شما را انتقاد نموده و یا مانع تامین ارزوهای پسند و نا پسند شما گردیده و یا شما را مورد بازپرس اعمال شما قرار دهد واقیعت مثله در اینجا است که سیستم معتقدات سنتی و عنعنوی از یکطرف , مورال و معنویت اخلاقی از طرف دیگر هیچگاه نمیتواند و یا وظیفه خود نمیداند که به ساده گی و سهولت با در نظر داشت آزاده گیهای فردی محدوده به تعریف و توصیف موضوع فوق پردازد , و یک نسخه یا رهنمود روشن از مفهوم آزادی بدهد , پس اینجا است که به ارتباط موضوع آزادی و آزاد منشی از نظر اخلاقی برای ما یک میراث درهم و برهم و اشفتگی مانند سنتی و تقریباً مشروع بجا مانده است . و یا ما صاحب همین رهنمود پر اشفته و درهم و برهم میباشیم .

پرسش همیشگی اینست ؟ که آزادی یک شخص تا چه حد و حدود آزادی دیگران را خدشه دار میسازد و باعث تشوش و برهم خوردن آزادی دیگران میگردد . که این خود یک معرف قابل اطمینان میباشد .

اگر آزادی یک شخص تا حدی باشد که صریحاً باعث سلب آزادی دیگران گردد در آنصورت در خور اهمیت خواهد بود که به کنه و اصل و علل همچو آزادی هامعرفت حاصل کرد که طبعاً ایجاب بحث طولانی را مینماید .

داوید مک گریگور به ارتباط موضوع آزادی در یک قسمت از اظهارات خود چنین اظهار نظر مینماید :

(طی سالهای طولانی و متمادی بعد از مطالعه آثار متعدد و بعد از تفکر عمیق و همه جانبه پیرامون موضوع آزادی چه در راستای فردی و یا در راستای جمعی دریافتم و یا من را بدان معتقد ساخت که حق داشتن آزادی درین وضع موجود پر آشوب تنها و تنها با صدور فرمان و حکم ارایه و افاده میگردد درحالیکه ارزش ملکیت و اعتبار و دارایی و ثروت اساس عدالت و داد را تشکیل میدهد و عدالت خود مقدم و پیشتر از آزادی میباشد .

* اندریو گالمبوس دانشمند astrophysieist شخصیکه انستیتوت مقاطعه کاری آزاد را در سال (۱۹۶۰) ایجاد کرد او به صورت واضح و مختصر آزادی را چنین تعریف نمود :
آزادی حالت اجتماعی موجودیست و قتیکه فرد صد درصد بالای اموال خود حق کنترل را داشته باشد.

داوید مک کریگور به ارتباط اظهار نظر اندریو گالمبوس مبنی بر تعریف آزادی چنین اظهار نظر مینماید :

واقعاً که این یک تعریف و بیان همه جانبه و جذری آزادی شمرده میشود . من فکر میکنم که این اظهار نظر صد در صد درست و صحیح است . یعنی او اصطلاح ملکیت را مبرا از هر نوع سوتفاهم چنان بکار برده که همه جانبه قابل فهم و درک میباشد و نمیتوان آنرا طور دیگر دیکتی کرد.

پس ملکیت چیست ؟ داوید مک کریگور چنین ابراز نظر مینماید : خوب , قبل از همه شما خود صاحب ملکیت خود میباشد , جسم و بدن شما ملکیت خود شما است , مغز و دماغ شما در پیکر شما ملکیت خود شما است , هنگامیکه روی یک شی یا یک (object) دماغ خود را متمرکز میسازید و یا در شناخت آن دماغ خود را بکار میبرید و یا با بکار بردن فعالیت جسمی و دماغی خویش یک شی یا یک متاع را خلق مینماید متاع خلق شده ملکیت خود شما است . وقتیکه با بکار بردن دماغ و جسم خویش یک کار فیزیکی و یا دماغی را انجام میدهید و در بدل کار و فعالیت جسمی و دماغی خویش پول بدست می آورید پول بدست آمده ملکیت و دارایی شخص شما است , یا زمانیکه

مایحتاج ضروری خود را از کسی می خرید داخل ملکیت شما میگردد یعنی ملکیت شخصی شما میباشد و شما مالک عام و تام جنس خرید شده هستید . پس بدین اساس تمامی اشیا واجناسیکه در مارکیت قابل دسترس میباشد و احتیاج انسان نیاز مند را مرفوع سازد در اثر میکانیزم داد و گرفت و یا به اصطلاح جور آمد طرفین طرف معامله تبادل میگردد , اگر در مارکیت مذکور اجناس و یا ملکیتها ی شخصی موجود نباشد در آنصورت نمیتوان اسم آنرا مارکیت گذاشت .

داوید مک گریگور می افزاید:

در واقعیت شرط اساسی بقای هر اقتصاد حفظ و نگهداری و حمایت از ملکیت است عدم درک و عدم فهم درجه رشد نیروهای مولده خود باعث عقب مانگی اکثر کشورهای عقبمانده و یا انکشاف نیافته تلقی میگردد . ایجاد نهادهای حمایت از ملکیت در واقع تضمین کننده داد و ستد بازار پنداشته میشود , که در تحت عنوان مناسبات تولید و روابط میان انسانها مورد بررسی قرار میگیرد . فلهمذا من باور ندارم که مقوله ملکیت و یا مفهوم آن غیر قابل فهم باشد . پس درین صورت چونکه مشهوداً عضویت و جسمم بخودم تعلق دارد یعنی مالک بدن خود میباشم , لذا مخیرم چرس بکشم و یا نکشم و هیچکس مانع چرس کشیدن و نا کشیدنم نمیتواند شود , این بخودم تعلق دارد که در سرک و جاده بسرعت ۱۵۰ کیلومتر موتر برانم , تنها اگر سرک بکسی دیگر تعلق داشته باشد در آنصورت مجوزه راندن و سرعت را باید از مالک جاده اخذ نمایم .

پس از نظر اخلاقی و معنوی زمانی وضع دشوار بروز خواهد کرد که دارایی و ملکیت شخص در تضاد و مخالف منافع دیگران قرارگیرد , پس در واقعیت امر حق داشتن ملکیت و بکار برد آن وقتی بهتر و موزون خواهد بود که صد در صد مبرا از تخلف و عاری از گزند دیگران باشد که این خود یگانه صفت موزون از آزادی بوده که قابل پذیرش دیگران قرار میگیرد .

مارکس در (نقد از اقتصاد سیاسی) به نخستین دستاوردهای اساسی در رابطه با نا خویشتنی (از خود بیگانگی) انسان میرسد , از دیدگاه وی اقتصاد سیاسی بورژوازی (ملکیت خصوصی) را به حیث یک اصل میپذیرد , ولی آن را توضیح نمیدهد باید از

تحلیل مفهوم یعنی تحلیل (کار بیگانه شده) ارتقا کرد تا بتوان جدا شدن و بیگانه شدن انسان را از سرشت بشری اش در چوکات مالیکیت سرمایه داری توضیح داد. بدین گونه رفع مالیکیت بر وسایل تولید به تصاحب دوباره ی کار بیگانه شده ی مولدین می انجامد و در نهایت تحلیل به آزادی کامل مولدین و همراه با آنها به آزادی کامل بشر میرسد .

* با در نظر داشت آنچه در بالا گفته آمدیم چنین نتیجه میگیریم که : هر موضوع اجتماعی , سیاسی , اخلاقی و معنوی و غیره در یک جامعه و پرابلمهای ناشی از آن توسط انهایی حل و فصل میگردد که صاحب ملکیت و دارایی میباشند. آنوقت است که مبنی بر داشتن ملکیت عدالت و داد را چطور میتوان تعریف کرد , که با در نظر داشت تعریف عدل و انصاف , جوهر آزادی واقعی روشن و آشکار خواهد شد .

آزادی از گرسنگی , آزادی از بیسوادی , و آزادی از بیکاری با در نظر داشت حق ملکیت چیزی بهتری نخواهد بود , ولی این آزادیهای ارزومندانه را نمیتوان حاصل کرد حتی اگر در تحت مکروسکوب حق ملکیت هم قرار داده شود , به عین روش د در دموکراسی هم آزادی میسر نیست , بلکه مخالف آزادی فرد تلقی شده میتواند دموکراسی به اصطلاح سیادت اکثریت بر اقلیت است که مورالتی یا آداب اخلاقی را با رای گیری تعیین مینمایند و دموکراسی بطور روشن به تعریف حق ملکیت میپردازد نه به حمایت و نگهداری آن , و یا به عباره ی دیگر آزادی را با رایگیری اکثریت و اقلیت توصیف و تعریف مینمایند ولی به حمایت و پیشتیبانی آن مبادرت نمی ورزند. در یک جامعه ای که حق داشتن ملکیت صد در صد تحت حمایه قرار داشته باشد در آنصورت ضرورت دموکراسی مرفوع خواهد بود یعنی ضرورت به رای گیری اکثریتها و اقلیتها نخواهد بود. قوانین آن جامعه طبعاً تمام مسایل را در تحت پوشش خود قرار خواهد داد و هرکس حق مساوی خواهد داشت .

فلهذا نباید دموکراسی را با آزادی مغالطه کرد و آزادی را نباید بیدون حق داشتن ملکیت طور جعل و ساختگی در خور مردم داد , لذا حمایت از حق داشتن ملکیت که

سبب استثمار دگران نگرده باعث استواری شرع میگردد که این خود تمام آزادیها را در بر خواهد داشت .

پایان

*** با استفاده از مقالات صفحات انترنیت پیرامون آزادی , دموکراسی , ملکیت (خصوصی , شخصی , جمعی) به زبان انگلیسی .

** (آینده : نشریه ی نهضت آینده افغانستان)

* سیر تکامل فارمسیونها, نیروهای مولده ومناسبات تولید : از مقالات

انترنیت به زبان انگلیسی .

07072008

www.ayenda.org